



سیاست تقسیم سود در شرکت‌های مشکوک به تقلب

دکتر سیداحمد خلیفه سلطانی^۱

دانشیار گروه حسابداری دانشگاه الزهرا (س) تهران، ایران

شیدا نایب محسنی^۲ ©

دانشجوی دکترا حسابداری دانشگاه الزهرا (س) تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴ شهریور ۱۳۹۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۰ بهمن ۱۳۹۴)

شرکت‌هایی که مدیریت سود انجام می‌دهند وجه نقد کافی برای تقسیم سود ندارند. اگرچه آن‌ها می‌توانند این پول را قرض بگیرند ولی این کار منجر به موشکافی ناخواسته در صورت‌های مالی آن‌ها خواهد شد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت شرکت‌هایی که تقسیم سود سهام دارند کمتر از دیگران احتمال دارد مرتکب تقلب شوند زیرا آن‌ها می‌دانند که نمی‌توانند بر مبنای درآمد اغراق آمیزی که اعلام کرده‌اند سود تقسیم کنند [۱۱]. همچنین وجه نقد نگهداری شده در شرکت سهامداران با اطلاعات نهانی را قادر به بهره‌برداری از مزایای شخصی می‌کند اما از وجه نقد پرداخت شده نمی‌تواند منافی حاصل گردد. پس مدیران و سهامداران دارای نهانی در شرکت‌هایی که پرداخت سود انجام می‌دهند قادر به کسب مزایای شخصی کمتری هستند و در نتیجه انگیزه کمتری برای پنهان‌سازی دارند. بنابراین سود گزارش شده توسط این شرکت‌ها با احتمال کمتری دست‌کاری شده است [۱۴]. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سیاست تقسیم سود و تقلب در شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس و اوراق بهادار طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ می‌باشد. برای این کار نخست ارتباط بین تقسیم سود و تقلب آزمون شده سپس سیاست تقسیم سود در شرکت‌های متقلب و غیر متقلب مقایسه گردیده است. یافته‌ها حاکی از آن است که سود تقسیمی با تقلب رابطه معکوس معنادار دارد یعنی شرکت‌هایی که تقسیم سود سهام دارند کمتر از دیگران احتمال دارد مرتکب تقلب شوند. همچنین رابطه سود شرکت و سود تقسیمی در شرکت‌های متقلب، ضعیف‌تر از شرکت‌های غیر متقلب است بدین معنا که سیاست تقسیم سود در شرکت‌های متقلب و غیر متقلب متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: تقلب، سیاست تقسیم سود، مدیریت سود، شرکت متقلب، سود تقسیمی هر سهم.

^۱ khalifehsultani@alzahra.ac.ir

^۲ sh.nayebmohseni@alzahra.ac.ir

مقدمه

هرساله در کشورهای پیشرفته تقلب‌های مالی هفت درصد درآمد دولت‌ها و بخش خصوصی را می‌بلعند. وضع در کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور به مراتب بدتر از این است. بنا بر پژوهش‌های انجام‌شده برآورد شده است در این کشورها متقلبان دوازده تا پانزده درصد درآمدهای بخش عمومی و خصوصی را به تاراج می‌برند. این در حالی است که سهم تقلب‌های کشف‌شده در کشورهای در حال توسعه کم‌تر از ۱۵ درصد است و فقط سهم ناچیزی از زیان‌های تقلب باز یافت پذیر است [۵]. تقلب نه تنها پر هزینه است بلکه می‌تواند تأثیرات غیرمالی جدی و شدیدی نیز داشته باشد. تقلبی که مدیریت ارشد مرتکب می‌شود در بلندمدت می‌تواند بر روحیه کارمند و اعتماد سهامداران تأثیر بگذارد. شرکت‌ها بیشتر نگران تأثیر تقلب بر شهرت و روابط تجاری‌شان هستند تا تأثیر آن بر قیمت سهامشان. وضع از این هم بدتر است زیرا تقلب چیزی نیست که خودش از بین برود، یا باید کشف شود و متوقف گردد یا دائماً رشد خواهد کرد [۶]. در صورتی که گزارش‌ها و صورت‌های مالی مورد تحریف واقع شوند و اطلاعات ناقص یا جانب‌دارانه‌ای را منتقل کنند به تدریج اعتماد ذینفعان به این منابع اطلاعاتی از بین خواهد رفت و همراه با آن اعتبار و سودمندی حرفه حسابداری نیز زیر سؤال خواهد رفت. [۵].

چارچوب نظری

تقلب گزارشگری مالی

عبارت است از تحریف عمدی در نتایج صورت‌های مالی برای ارائه تصویر نادرست از شرکت؛ مانند بیش نمایی دارایی‌ها، کم نمایی هزینه‌ها، بیش نمایی درآمدها و دارایی‌ها و کم نمایی دارایی‌های دزدیده‌شده. تقلب شامل وجود انگیزه برای ارتکاب تقلب و استفاده از فرصت جهت ارتکاب آن است. پس از آن با این باور که این رفتار توجیه‌پذیر است برای آن منطق تراشی می‌شود. این سه عامل فشار، انگیزه و توجیه عقلانی تشکیل‌دهنده اضلاع مثلث تقلب است که با اضافه شدن عامل چهارم یعنی قابلیت‌های فردی، به لوزی تقلب تبدیل می‌گردد و به عنوان ابزاری مفید برای درک و مدیریت ریسک‌های تقلب مورد استفاده قرار می‌گیرد [۹]. اگر مثلث تقلب را در نظر بیاوریم متوجه می‌شویم که مهم‌ترین و مؤثرترین روش بازدارنده از بین بردن ضلع فرصت است. به رغم نقش فشار و سختی در ارتکاب تقلب، در صورتی که افراد بدانند تقلب آن‌ها کشف خواهد شد هیچ‌گاه دست به ارتکاب تقلب نخواهند زد. از سویی دیگر، در صورتی که افراد بدانند با پنهان‌کاری می‌توانند مانع کشف تقلب شوند، حتی بدون شرایط فشار و سختی نیز از فرصت‌های به دست آمده برای ارتکاب تقلب استفاده خواهند کرد [۹]. برای از بین بردن فرصت ارتکاب تقلب و یا کاهش آن راهکارهای زیادی پیشنهاد شده است که پرداخت سود تقسیمی یکی از آن‌هاست. اصطلاح سود تقسیمی معمولاً به پرداخت نقدی یا غیر نقدی درآمدهای شرکت به سهامدارانش گفته می‌شود.

پرداخت سود به سهامداران منابع تحت کنترل مدیران و بالطبع قدرت مدیر را کاهش می‌دهد؛ همچنین احتمال نظارت بازار سرمایه را بر شرکت افزایش می‌دهد؛ زیرا با پرداخت سود تقسیمی احتمال انتشار

سهام جدید شرکت افزایش می‌یابد و این مسئله باعث بررسی شرکت توسط بانک‌های سرمایه‌گذار، بورس اوراق بهادار و عرضه‌کنندگان سرمایه می‌شود [۶]. کاسکی و هانلون در سال ۲۰۱۱ به بررسی سیاست تقسیم در شرکت‌های متقلب پرداختند. آن‌ها دریافته‌اند که ارتکاب تقلب با تقسیم سود رابطه معکوس دارد و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های متقلب و غیرمتقلب نمی‌تواند مشابه باشد [۱۱]. بنابراین با توجه به پژوهش‌ها و آزمون‌های انجام‌شده قبلی می‌توان این‌گونه استدلال کرد که شرکت‌های متقلب نمی‌توانند سیاست تقسیم سودی مشابه سایر شرکت‌ها داشته باشند. با در نظر گرفتن این فرض، دو نتیجه‌گیری ممکن است حاصل شود: اول اینکه احتمال تقلب در شرکت‌های پرداخت‌کننده سود سهام کمتر از سایرین است (زیرا آن‌ها می‌دانند که در صورت ارتکاب تقلب، در آینده قادر نخواهند بود سیاست تقسیم سود خود را ادامه دهند). دوم اگر یک شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مرتکب تقلب شود، گزارشگری متقلبانانه باعث می‌شود تغییرات سود تقسیمی سهام آن شرکت متفاوت از سایرین باشد.

پیشینه پژوهش

بلک، نیلسون، فینهریو و بارسا در سال ۲۰۱۵ تاثیر تولید اطلاعات توسط حسابرسان و تحلیلگران مالی را بر مدت کشف تقلب مورد آزمون قرار دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که محتوای گزارش‌های حسابرسی مدت زمان کشف تقلب را کاهش می‌دهد و حضور تحلیلگران متخصص نیز زمان کشف تقلب را کاهش می‌دهد [۱۰]. ون‌هی و بوهیو زانگ در سال ۲۰۱۲ در پژوهشی آگاهی‌دهنده بودن تقسیم سود درباره کیفیت سود گزارش‌شده را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که پرداخت سود سهام باعث کاهش انگیزه مدیران در دست‌کاری سود می‌گردد چرا که تقسیم سود نشانه‌ای از کیفیت سود است. [۱۴]. در سال ۲۰۱۱ پرسون درباره استفاده از اطلاعات صورت‌های مالی برای شناسایی عوامل مرتبط با گزارشگری متقلبانانه به پژوهش پرداخت. شواهد حاکی از آن بود که اطلاعات حسابداری برای شناسایی گزارش‌های متقلبانانه مفید هستند [۱۶]. دچو، جی، لارسون و اسلون در سال ۲۰۱۱ پژوهشی در ارتباط با پیش‌بینی تحریفات بااهمیت حسابداری انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد در زمان تحریف کیفیت اقلام تعهدی پایین است و عملکرد مالی و غیرمالی رو به زوال می‌گذارد. فعالیت‌های تأمین مالی و فعالیت‌های خارج از ترازنامه در دوره تقلب بیشتر است و مدیریت این شرکت‌ها نسبت به قیمت سهام بسیار حساس هستند. ظاهراً تحریفات صورت می‌گیرد تا عملکرد بد مالی با سرعت کمتری آشکار شود و ارزش سهام بالا بماند [۱۳]. دچو، جی و اسپرند در سال ۲۰۱۰ پژوهشی درباره عوامل نشان‌دهنده کیفیت سود انجام دادند. در این پژوهش مشخص شد که عوامل کیفیت سود به سه بخش قابل تقسیم‌اند. یکی از این عوامل شاخص‌های خارجی تحریفات سود است که شامل لیست شرکت‌های متقلب AAER، تجدید ارائه صورت‌های مالی،

فرآیند کنترل داخلی طبق قوانین ساربنز آگسلی^۱ است که تمامی این موارد بر مدیریت سود دلالت دارند [۱۲].

اسکینر و سالتز در سال ۲۰۰۹ درباره آگاهی‌دهنده بودن سیاست تقسیم سود با توجه به تغییرات کیفیت سود پژوهشی انجام دادند. نتایج حاکی از آن بود که ارتباط بین سود جاری و سود آتی در شرکت‌های پرداخت‌کننده سود سهام قوی‌تر از سایرین است و شرکت‌های پرداخت‌کننده سود سهام دارای کیفیت سود بالاتری هستند و سود گزارش‌شده توسط آن‌ها پایداری بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارد و همچنین قادرند سیاست تقسیم سود منظمی در پیش گیرند [۱۷].

ایمنی، عرب مازار و صمدی در سال ۱۳۹۳ پژوهشی با عنوان الماس تقلب و مسئولیت مدیران و حسابرسان در پیشگیری از تقلب انجام دادند. آن‌ها بیان کردند که مدیریت با تعیین اهداف، سیاست‌ها، رویه‌های مناسب و انتصاب افراد لایق توان این را دارد که موثرترین و مهم‌ترین رکن در تشخیص، پیشگیری و کشف تقلب باشد [۱].

صفرزاده در سال ۱۳۸۹ به بررسی توانایی نسبت‌های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی پرداخت. نتایج حاکی از آن بودند که شرکت‌های دارای نسبت بدهی بیشتر و نسبت‌های جاری، گردش دارایی، بازده دارایی، بازده فروش، سود انباشته به دارایی، سرمایه در گردش به دارایی و حاشیه سود عملیاتی کمتر از وضعیت مالی نامناسب‌تری برخوردارند؛ لذا تمایل بیشتری به تقلب در گزارشگری مالی دارند [۵].

رضوانی، رکابدار و احمدی در سال ۱۳۸۸ به بررسی رابطه بین جریان‌های نقد آزاد و سیاست تقسیم سود پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین وجوه نقد آزاد و سیاست تقسیم سود رابطه مثبت معناداری وجود دارد [۳].

سعیدی و بهنام در سال ۱۳۸۸ عوامل موثر بر خط مشی تقسیم سود شرکت‌ها را بررسی کردند. نتایج نشان داد سود تقسیمی سال گذشته نیز اثر معکوس و ضعیفی بر سود تقسیمی جاری دارد. همچنین سود مورد انتظار رابطه قوی و مثبتی با سود تقسیمی داراست، به صورتی که با افزایش سود مورد انتظار میزان سود تقسیمی هم افزایش می‌یابد [۴].

فرید برواری در سال ۱۳۸۵ پایان‌نامه خود را با بررسی کاربرد روش‌های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت‌های مالی به انجام رسانید. نتایج این پژوهش نشان داد که دو نسبت مجموع بدهی‌ها به دارایی‌های سال قبل و فروش جاری به فروش سال قبل (ملاک رشد شرکت) که متغیرهای حاصل از صورت‌های مالی هستند، قادر به پیش‌بینی خطر صورت‌های مالی تحریف‌شده در ۹۰٫۵٪ موارد به طور قابل‌اتکایی می‌باشند [۲].

پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخ به ۲ پرسش مهم است:

^۱ Sarbanes Oxley

اول اینکه: آیا شرکت‌هایی که تقسیم سود بالا دارند کمتر از دیگر شرکت‌ها مرتکب تقلب می‌شوند؟ دوم: آیا سیاست تقسیم سود شرکت‌های متقلب می‌تواند مشابه سیاست تقسیم سود شرکت‌های غیرمتقلب باشد؟

برای انجام این پژوهش چهار فرضیه به شرح زیر در نظر گرفته شده تا با آزمون آن‌ها بتوان به دو پرسش بالا پاسخ داد:

- فرضیه ۱: پرداخت سود سهام با تقلب رابطه معکوس دارد.
- فرضیه ۲: رابطه بین سود شرکت و سود تقسیمی در شرکت‌های متقلب، ضعیف‌تر از شرکت‌های مشابهی است که مرتکب تقلب نشده‌اند.
- فرضیه ۳: در دوره تقلب، در صورت افزایش سود، شرکت‌های متقلب سود تقسیمی خود را کمتر از شرکت‌های غیر متقلب افزایش می‌دهند.
- فرضیه ۴: در دوره تقلب در صورت کاهش سود، شرکت‌های متقلب سود تقسیمی خود را بیشتر از شرکت‌های غیر متقلب کاهش می‌دهند.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

دچو در پژوهش خود معیارهایی را که کمیسیون بورس و اوراق بهادار برای متهم دانستن شرکت‌ها به تقلب و تهیه لیست AAER در نظر می‌گیرد، به شرح زیر ذکر کرده است: (۱) شرکت‌های که درآمدها و هزینه‌های خود را به صورت غلط اظهار کرده‌اند. (۲) شرکت‌هایی که هزینه‌های خود را به عنوان دارایی سرمایه‌ای محسوب نموده‌اند. و (۳) شرکت‌هایی که حساب‌های خود را از جمله حساب موجودی‌ها، حساب‌های دریافتی، حساب بهای تمام شده کالای فروش رفته، حساب بدهی‌ها، حساب ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، اوراق بهادار قابل معامله و حساب‌های پرداختی به طور اشتباه ثبت کرده‌اند [۱۳].

فرید برواری نیز در پایان‌نامه خود وجود یکی از معیارهای زیر را در صورت‌های مالی، به شرط اثر عمده داشتن و عمدی انجام شدن، به عنوان شرط متقلب بودن شرکت‌ها در نظر گرفته است: (۱) شناسایی و اندازه‌گیری درآمدهای تحقق نیافته (۲) - عدم شناسایی و اندازه‌گیری هزینه‌های تحمل شده (۳) - عدم رعایت تهیه صورتهای مالی با فرض توقف فعالیت در شرکت‌هایی که دو دوره متوالی فرض تداوم فعالیت آن‌ها به طور اساسی زیر سوال رفته است [۲].

جامعه آماری این پژوهش محدود به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس می‌باشد و شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر بودند به عنوان نمونه اولیه جهت بررسی گزارش حسابرسی انتخاب گردیدند: (۱) سال مالی آن‌ها منتهی به ۱۲/۲۹ باشد. (۲) تغییر سال مالی نداشته باشد. (۳) شرکت سرمایه‌گذاری و بانک و بیمه نباشد.

سپس گزارش‌های حسابرسی آن‌ها بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفت و برای شناسایی شرکت‌های متقلب، شرکت‌هایی که گزارش حسابرسی آن‌ها مردود، عدم اظهارنظر و مشروط

بود مورد مطالعه جامع قرار گرفت و تمامی موارد مشکوک در بندهای شرط و سایر بندهای گزارش حسابرسی خلاصه نویسی شدند. سپس با توجه به موارد کشف شده و بر اساس مبانی نظری ذکر شده معیارهایی انتخاب گردید که به نظر می‌رسد وجود آن‌ها در بند شرط گزارش حسابرسی نشان‌دهنده امکان بالای ارتکاب تقلب است. و در مرحله‌ی بعد با بررسی مدت زمان توقف نماد شرکت در سال مورد نظر تصمیم نهایی برای متقلب یا غیر متقلب فرض کردن شرکت گرفته شد. معیارهای نشان‌دهنده امکان بالای وقوع تقلب در این شرکت‌ها:

- اظهارنظر حسابرسی نسبت به صورت‌های مالی مردود یا عدم اظهارنظر باشد.
 - در استاندارد شماره ۷۰۵ حسابرسی با عنوان "اظهارنظرهای تعدیل شده در گزارش حسابرس مستقل" بیان شده است که چنانچه حسابرس با کسب شواهد حسابرسی کافی و مناسب، به این نتیجه برسد که تحریف‌ها، به تنهایی یا در مجموع، نسبت به صورت‌های مالی، با اهمیت و فراگیر (اساسی) است، باید نظر مردود ارائه کند. و همچنین در مورد عدم اظهارنظر آمده است که در صورتی که حسابرس قادر به کسب شواهد حسابرسی کافی و مناسب برای اظهارنظر نباشد، و به این نتیجه برسد که آثار احتمالی تحریف‌های کشف نشده بر صورت‌های مالی می‌تواند با اهمیت و اساسی باشد، باید عدم اظهار نظر کند.
 - گزارش حسابرسی شرکت مشروط و شامل بند درآمد-هزینه‌ای باشد.
 - بند درآمد-هزینه‌ای بدین معنا که شرکت درآمد سال مورد گزارش را بیشتر از واقع و یا قبل از تحقق یافتن، شناسایی کرده باشد یا هزینه‌های دوره مورد نظر را به دلایل غیرموجه شناسایی نکرده یا در شناسایی آن مبالغ کمتری را به حساب منظور کرده باشد. تقلب گزارشگری مالی عبارت است از تحریف عمدی در نتایج صورت‌های مالی برای ارائه تصویر نادرست از شرکت. مانند بیش نمایی دارایی‌ها، کم نمایی هزینه‌ها، بیش نمایی درآمدها و دارایی‌ها و کم نمایی دارایی‌های دزدیده شده.
 - گزارش حسابرسی شرکت مشروط و فرض تداوم فعالیت شرکت برای چندین دوره متوالی زیر سؤال رفته اما شرکت همچنان صورت‌های مالی خود را با فرض تداوم فعالیت تهیه کرده باشد.
 - برای نمونه شرکتی که فعالیت‌های تولیدی آن از دو سال قبل متوقف شده اما همچنان صورت‌های مالی خود را با فرض تداوم فعالیت تهیه و تنظیم می‌کند.
 - با توجه به اینکه در استاندارد حسابرسی ۲۴۰ یکی از موارد گزارشگری مالی متقلبانانه صراحتاً به کارگیری نادرست استانداردهای حسابداری مرتبط با اندازه‌گیری، شناسایی، طبقه‌بندی، ارائه یا افشا به عمد، عنوان شده است و استاندارد حسابداری در ارتباط با تهیه صورت‌های مالی با فرض توقف فعالیت رعایت نگردیده است.
 - گزارش حسابرسی شرکت مشروط و نماد آن برای بیش از ۶ ماه بدون دلایل موجه و روشن متوقف شده باشد.
 - در سال بعد تعدیلات سنواتی با اهمیت داشته باشند.
- بعد از اعمال شرایط بالا ۸۱ به عنوان شرکت متقلب در نظر گرفته شدند.

نمونه‌های نظیر که شرکت‌های غیر متقلب فرض شده‌اند با اعمال شرایط زیر انتخاب گردیدند: (۱) در صنعت مشابه مشغول فعالیت باشد. (۲) گزارش حسابرسی آن‌ها در سال مورد نظر مقبول باشد. (۳) در نهایت پس از اعمال شرایط بالا برای شرکت‌های متقلب و شرکت‌های نظیر آن‌ها و حذف شرکت‌هایی که اطلاعاتشان ناقص بوده است، ۶۵ شرکت متقلب و ۶۵ شرکت نظیر در مجموع ۱۳۰ نمونه برای انجام پژوهش انتخاب گردیده و مورد آزمون قرار گرفته است.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه اول، رابطه بین وضعیت پرداخت سود و تقلب، از مدل شرطی لاجیت استفاده شده است و در مقابل هر شرکت متقلب یک شرکت غیر متقلب قرار خواهد گرفت. عدد ۱ برای شرکت متقلب و عدد صفر را برای همتایان آن‌ها در نظر گرفته شده است. رگرسیون مورد آزمون فرضیه اول به شرح رابطه (۱) است:

$$AAER = \beta_0 + \beta_1 \text{Dividend payer}_{i,t-1} + \beta_2 \log \text{Assets}_{i,t-1} + \beta_3 \text{Age}_{i,t-1} + \beta_4 \text{Book/MVE}_{i,t-1} + \beta_5 \text{Inst.ownership}_{i,t-1} + e_{it} \quad (1)$$

در اینجا متغیر وابسته شرکت متقلب (AAER) و متغیر مستقل پرداخت سود سهام است و بقیه متغیرها کنترلی می‌باشند. متغیرهای کنترلی در سال قبل از ارتکاب تقلب بررسی شده‌اند. انتظار می‌رود که β_1 به صورت معناداری منفی باشد که نشان‌دهنده رابطه منفی بین پرداخت سود تقسیمی و ارتکاب تقلب است.

این متغیر برای شرکت‌های متقلب یک و برای شرکت‌های غیر متقلب صفر می‌گیرد. Dividend Payer: اگر شرکت سود سهام خود را به میزان بیشتر از ۵۳٪ (معدل میانگین درصد پرداخت سود کل شرکت‌های نمونه) پرداخت کند این متغیر ۱ در نظر گرفته می‌شود و در غیر این صورت صفر می‌گیرد.

Log Assets: لگاریتم کل دارایی‌ها است. لگاریتم دارایی‌ها به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته می‌شود زیرا پژوهش‌ها نشان می‌دهد که پرداخت سود تقسیمی با سوددهی و اندازه شرکت مرتبط است [۱۱].

Age: تعداد سال‌هایی که شرکت عضو بورس بوده است. سن واحد تجاری به این دلیل به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته می‌شود که شرکت‌های قدیمی‌تر با احتمال بیشتری پرداخت سود تقسیمی انجام می‌دهند. شرکت‌های جوان‌تر تأمین مالی خارجی بیشتری احتیاج دارند و این مسئله با ارتکاب تقلب مرتبط است [۱۱].

Book/Market: ارزش دفتری/ارزش بازار. نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار به عنوان شاخص فرصت رشد شرکت در نظر گرفته شده زیرا که رشد شرکت ممکن است باعث گردد آن‌ها برای خروج وجه نقد بی‌میل شوند [۱۱].

Institutional Ownership: مالکیت نهادی شرکت. برای محاسبه این متغیر درصدهای مالکیت شرکت‌های نمونه بررسی شد و شرکت‌هایی که بیشتر از ۶۷٪ (معدل دو-سوم) مالکیت آن‌ها در دست

شخص حقیقی یا حقوقی، اعم از دولتی یا خصوصی بود، به عنوان شرکت‌های دارای مالکیت نهادی فرض گردید و برای آن‌ها این متغیر یک در نظر گرفته شد و برای سایر شرکت‌ها این متغیر صفر می‌گیرد. کاسکی و هانلون (۲۰۱۱) به نقل از لارسون^۱ (۲۰۰۸) این مورد را مطرح کرده‌اند که شرکت‌های متقلب مالکیت نهادی بالاتری دارند در حالی که پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهد که مالکین نهادی از شرکت‌هایی که پرداخت سود ندارند دوری می‌کنند [۱۱].

در ابتدا آمار توصیفی بررسی می‌شود که به صورت زیر در «نگاره (۱)» ارائه شده است:

نگاره شماره ۱: آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	%۲۵	میانگین	%۷۵
AAER	۰/۵۰۰	۰/۵۰۲	۰/۰۰۰	۰/۵۰۰	۱/۰۰۰
Dividend Payer	۰/۵۶۹	۰/۴۹۷	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
Log Assets	۵/۷۷۵	۰/۵۱۵	۵/۳۹۵	۵/۷۰۵	۶/۰۵۸
Age	۲۲/۷۹۲	۱۸/۸۹۱	۱۱/۷۵۰	۱۷/۰۰۰	۲۲/۵۰۰
Book/Market	۰/۶۳۲	۰/۹۹۸	۰/۳۹۵	۰/۶۸۰	۱/۰۳۵
Institutional Ownership	۰/۱۹۲	۰/۳۹۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
DPS	۳۸۱/۳۹۵	۸۰۲/۰۹۷	۰/۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۴۸۵/۰۰۰
EPS	۳۶۸/۸۵۴	۱۲۰۵/۹۱۷	-۰/۲۵۰	۲۲۵/۵۰۰	۶۳۴/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به مقادیر جدول‌های بالا که اطلاعات آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد می‌توان نتیجه گرفت در تمامی متغیرها پراکندگی متوسطی وجود دارد که این موضوع را می‌توان از روی مقدار انحراف استاندارد استنباط کرد. همچنین از روی فاصله میانه با چارک اول و چارک سوم (و همچنین فاصله میانگین و میانه) می‌توان متقارن بودن یا نبودن متغیر را نتیجه گرفت که همه متغیرها دارای تقارن نسبی هستند.

خلاصه نتایج مدل رگرسیونی فرضیه اول به شرح «نگاره (۲)» می‌باشد:

نگاره ۲: خلاصه نتایج مدل رگرسیونی فرضیه اول

متغیر	ضریب	مقدار	انحراف استاندارد	آماره آزمون	p-value
ثابت مدل	β_0	-۷/۱۱۴	۲/۵۰۴	-۲/۸۴۲ ***	۰/۰۰۴
Dividend payer	β_1	-۰/۹۵۲	۰/۴۲۲	-۲/۲۵۴ **	۰/۰۲۴
Log Assets	β_2	۱/۱۵۳	۰/۴۱۸	۲/۷۵۸ ***	۰/۰۰۶

¹ Larson

متغیر	ضریب	مقدار	انحراف استاندارد	آماره آزمون	p-value
Age	β_3	۰/۰۳۵	۰/۰۱۵	۲/۲۵۲ **	۰/۰۲۴
Book/MVE	β_4	-۰/۲۹۷	۰/۲۱۸	-۱/۳۶۲	۰/۱۷۳
Inst.ownership	β_5	۲/۲۹۱	۰/۵۸۷	۳/۹۰۴ ***	۰/۰۰۰۱
χ^2	انحراف استاندارد مدل	۰/۴۴۵۷	آماره LR		P-Value
۰/۴۹۳۱			۳۴/۸۰۵		۰/۰۰۰۰۱

*** معنی‌دار در سطح ۱ درصد، ** معنی‌دار در سطح ۵ درصد، * معنی‌دار در سطح ۱۰ درصد.

منبع: یافته‌های تحقیق

طبق جدول بالا مدل رگرسیونی با توجه به آماره LR و P-Value به دست آمده معنی‌دار است که این موضوع بیانگر تأثیر کلی متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته است. از طرف دیگر با توجه به مقدار ضریب تعیین مدل که ۰,۴۹۳۱ است می‌توان نتیجه گرفت که در حدود ۴۹,۳۱ درصد تغییر در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

همچنین با توجه به مقدار ضریب متغیر Dividend payer که برابر با ۰,۹۵۲- می‌باشد و از نظر آماری معنی‌دار است فرضیه اول پذیرفته می‌شود یعنی پرداخت سود سهام با تقلب رابطه معکوس دارد. برای آزمون برازش کلی مدل از آزمون هاسمر-لمشو^۱ استفاده شده است که نتایج آن به شرح «نگاره (۳)» می‌باشد:

نگاره ۳: آزمون هاسمر-لمشو برای برازش مدل فرضیه اول

مرحله	Chi-square	Df	Sig
اول	۸/۱۶۵	۸	۰/۴۱۷
آخر	۴/۷۶۳	۸	۰/۷۸۳

منبع: یافته‌های تحقیق

از آنجا که مقدار سطح معناداری بالای ۰/۰۵ است لذا فرض صفر مبنی بر توضیح قابل قبول داده‌ها توسط مدل تأیید می‌شود. لذا در آخرین سطر که مقدار سطح معناداری ۰/۷۸۳ محاسبه شده است نشان می‌دهد در پایان گام چهارم مدل برازش یافته‌ای وجود دارد و نتایج حاصله از آن معتبر و قابل استناد است.

در آزمون فرضیه دوم برای بررسی رابطه بین سود شرکت و سود تقسیمی، تغییرات سود تقسیمی هر سهم نسبت به سود هر سهم برای شرکت‌های متقلب و غیر متقلب آزمون خواهد شد. بر اساس رگرسیون فاما و بیاک (۱۹۶۸) مدل به صورت رابطه (۲) خواهد بود:

$$DPS_{it} = \beta_0 + \beta_1 AAER_i + \beta_2 DPS_{i,t-1} + \beta_3 AAER_i \times DPS_{i,t-1} + \beta_4 EPS_{it} + \beta_5 AAER_i \times EPS_{it} + \beta_6 EPS_{i,t-1} + \beta_7 AAER_i \times EPS_{i,t-1} + e_{it} \quad (2) \text{ رابطه}$$

¹ Hosmer-Lemeshow

در این مدل تغییرات سود تقسیمی هر سهم متغیر وابسته و نوع شرکت از نظر متقلب یا سالم بودن متغیر مستقل است. در فرضیه دوم نمونه به شرکت‌هایی که پرداخت سود تقسیمی دارند محدود می‌شود.

نتایج برازش مدل به شرح «نگاره (۴)» است:

نگاره ۴: خلاصه نتایج مدل رگرسیونی فرضیه دوم

متغیر	ضریب	مقدار	انحراف استاندارد	آماره T	P-Value
ثابت مدل	0	۷۰,۹۳۶	۸۱,۸۵۱	۰,۸۶۷	۰,۳۹۰
AAER	1	-۹۳,۱۱۳	۱۰۹,۳۴۱	-۰,۸۵۲	۰,۳۹۸
DPS _{t-1}	2	۰,۴۹۹	۰,۳۰۳	۱,۶۴۴	۰,۱۰۶
AAER×DPS _{t-1}	3	-۰,۸۶۲	۰,۵۲۹	-۱,۶۳۰	۰,۱۰۹
EPS _t	4	۰,۷۱۹	۰,۰۷۴	۹,۷۸۱ ***	۰,۰۰۰۱
AAER×EPS _t	5	-۰,۰۳۲	۰,۰۹۴	-۰,۳۳۹	۰,۷۳۶
EPS _{t-1}	6	۱,۳۵۵	۰,۲۳۹	۵,۶۶۰ ***	۰,۰۰۰۱
AAER×EPS _{t-1}	7	۰,۹۴۲	۰,۴۳۰	۲,۱۹۳ **	۰,۰۳۳
T	R^2	T^2 تعدیل شده	انحراف استاندارد	T	R^2
۰,۹۲۴۲	۰,۸۵۴۱	۰,۸۳۴۵	۲۸۶,۶۷۰۳	۰,۹۲۴۲	۰,۸۵۴۱

*** معنی‌دار در سطح ۱ درصد، ** معنی‌دار در سطح ۵ درصد، * معنی‌دار در سطح ۱۰ درصد.

منبع: یافته‌های تحقیق

در ادامه برای بررسی معنی‌دار بودن کل مدل نیز از جدول آنالیز واریانس به صورت زیر استفاده می‌شود.

نتایج به شرح «نگاره (۵)» می‌باشد:

نگاره ۵: جدول آنالیز واریانس مدل فرضیه دوم

منبع تغییر	جمع توان دوم	درجه آزادی	میانگین توان دوم	آماره F	P-Value
رگرسیون	۲۵۰۲۵۹۲۶	۷	۳۵۷۵۱۳۲	۴۳,۵۰۴ ***	۰,۰۰۰۱
خطا	۴۲۷۳۳۵۱	۵۲	۸۲۱۸۰		
کل	۲۹۲۹۹۲۷۸	۵۹			

*** معنی‌دار در سطح ۱ درصد، ** معنی‌دار در سطح ۵ درصد، * معنی‌دار در سطح ۱۰ درصد.

منبع: یافته‌های تحقیق

طبق جدول بالا مدل رگرسیونی با توجه به آماره F و **P-Value** به دست آمده معنی‌دار است که این موضوع بیانگر تأثیر کلی متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته است که برای تعیین اثر هر یک از این متغیرها در ادامه آزمون معنی‌داری ضرایب انجام و اعتبار مدل را نیز از طریق ضریب تعیین مشخص می‌شود.

از طرف دیگر با توجه به مقدار ضریب تعیین مدل که ۰,۸۵۴۱ است می‌توان نتیجه گرفت که در حدود ۸۵,۴۱ درصد تغییر در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. در ادامه با استفاده از آزمون والد، فرضیه دوم آزمون می‌شود.

در آزمون این فرضیه از آزمون برابری ضرایب Wald استفاده می‌شود تا ضریب EPS در شرکت‌های متقلب و غیر متقلب با هم مقایسه گردد.

این آزمون به شکل آماری به صورت رابطه (۳) است:

$$\begin{cases} H_0: \beta_4 = \beta_5 \\ H_1: \beta_4 \neq \beta_5 \end{cases}$$

رابطه (۳)

خلاصه نتایج آزمون فرضیه دوم در «نگاره (۶)» قابل مشاهده است:

نگاره ۶: نتایج آزمون والد

P-Value	آماره χ^2	انحراف استاندارد	مقدار	ضریب	متغیر
۰/۰۰۰۱	۲۲/۴۹۵۶	۰/۱۵۸	۰/۷۱۹	β_4	EPS _t
			-۰/۰۳۲	β_5	AAER×EPS _t

*** معنی‌دار در سطح ۱ درصد، ** معنی‌دار در سطح ۵ درصد، * معنی‌دار در سطح ۱۰ درصد.

منبع: محاسبات تحقیق

طبق جدول بالا چون **P-Value** کمتر از α است بنابراین فرض H_0 رد می‌شود یعنی اختلاف ضرایب معنی‌دار است و ضریب آن برای شرکت‌های متقلب کمتر است. با توجه به نتایج بالا و با توجه به کاهش مقدار ضرایب برای شرکت‌های متقلب بنابراین فرضیه دوم پذیرفته می‌شود و نشان می‌دهد که رابطه بین سود شرکت و سود تقسیمی در شرکت‌های متقلب، ضعیف‌تر از شرکت‌های مشابهی است که مرتکب تخلف نشده‌اند.

در مرحله بعد برای اطمینان از درستی آزمون، پیش‌فرض‌های مدل رگرسیون که عبارت است از آزمون مستقل بودن خطاها، آزمون ثابت بودن واریانس خطاها، آزمون نرمال بودن خطاها و متغیر وابسته و آزمون عدم خود همبستگی، مورد بررسی قرار گرفت و کلیه مفروضات مورد قبول واقع شد.

برای آزمون فرضیه سوم و چهارم، تغییرات (افزایش و کاهش) سود تقسیمی سهام در شرکت‌های متقلب نسبت به شرکت‌های غیر متقلب مقایسه می‌گردد. دوره‌های افزایش و کاهش براساس تغییرات EPS شرکت‌ها نسبت به سال قبل محاسبه شده‌است.

برای آزمون این دو فرضیه ابتدا آزمون برابری واریانس دو گروه (در اینجا شرکت‌های متقلب و غیر متقلب) انجام شود که برای انجام آن از آزمون لون استفاده می‌شود سپس آزمون تی دو نمونه‌ای برای آزمون فرضیه‌ها به کار می‌رود.

زیربنای فرضیه سوم این مطلب است که مدیران تا از پایداری سود جاری مطمئن نباشند میزان سود تقسیمی را افزایش نمی‌دهند زیرا سود دست‌کاری شده در دوره‌های بعد معکوس می‌شود بنابراین پایدار نیست. پس شرکت‌های متقلب با احتمال کمتری سود تقسیمی خود را افزایش می‌دهند. و در فرضیه چهارم ایده آن است که شرکت‌های متقلب به دلیل آنکه تمایلی به تقسیم سود متورم شده ندارند با کاهش سود شرکت در سال مورد نظر، با سرعت بیشتری سود تقسیمی خود را کاهش می‌دهند.

این دو فرضیه به صورت آماری به شکل رابطه (۴) است:

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 = \mu_2 \\ H_0: \mu_1 < \mu_2 \end{cases}$$

رابطه (۴)

μ_1 : میانگین تغییرات سود تقسیمی شرکت‌های متقلب

μ_2 : میانگین تغییرات سود تقسیمی شرکت‌های غیر متقلب

خلاصه نتایج آزمون لون برای فرضیه سوم و چهارم در «نگاره (۷)» قابل مشاهده است:

نگاره ۷: نتایج آزمون لون

نتیجه	P-Value	آماره آزمون لون	حالت
برابری واریانس	۰,۷۲۸	۰,۱۲	دوره افزایش سود
برابری واریانس	۰,۲۹۷	۱,۱۳	دوره کاهش سود

*** معنی‌دار در سطح ۱ درصد، ** معنی‌دار در سطح ۵ درصد، * معنی‌دار در سطح ۱۰ درصد.

منبع: محاسبات تحقیق

پس از انجام آزمون لون و مشخص شدن همسانی واریانس نتایج آزمون تی با دو نمونه مستقل به صورت زیر در «نگاره (۸)» نشان داده شده است:

نگاره ۸: نتایج آزمون تی

نتیجه	P-Value	درجه آزادی	آماره آزمون t	دسته	حالت
اختلاف معنی‌دار نیست	۰/۴۷۲	۳۰	-۰/۰۷	برابری واریانس	دوره افزایش سود
اختلاف معنی‌دار است	۰/۰۳۲	۳۰	-۱/۹۲ **	برابری واریانس	دوره کاهش سود

با توجه به نتایج جدول بالا اختلاف میانگین در فرضیه سوم (دوره افزایش سود) معنی‌دار نیست و در فرضیه چهارم (دوره کاهش سود) معنی‌دار است پس در مجموع می‌توان گفت: در صورت کاهش سود، شرکت‌های متقلب سود تقسیمی خود را بیشتر از سایر شرکت‌ها کاهش می‌دهند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش چهار فرضیه مطرح گردید و با استفاده از آزمون‌های آماری لاجیت، والد و تی دونمونه‌ای مورد آزمون و تحلیل قرار گرفت. در فرضیه اول وجود رابطه منفی بین تقلب و تقسیم سود سهام آزمون گردید و با قبول فرضیه اول این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که شرکت‌هایی که سود سهام تقسیم می‌کنند کمتر از سایر شرکت‌ها مرتکب تقلب می‌شوند. نتیجه این آزمون با یافته‌های کاسکی و هانلون در سال ۲۰۱۱ مطابقت دارد. آن‌ها این‌گونه استدلال کردند که شرکت‌هایی که سود سهام پرداخت می‌کنند کمتر از دیگران احتمال دارد مرتکب تقلب شوند زیرا آن‌ها می‌دانند که نمی‌توانند بر مبنای درآمد اغراق‌آمیزی که اعلام کرده‌اند سود تقسیم کنند [۱۱].

در فرضیه دوم فرض شد که شرکت‌هایی که پرداخت سود تقسیمی دارند هم مرتکب تقلب می‌شوند اما در این صورت ارتباط بین سود شرکت و سود تقسیمی آن‌ها ضعیف‌تر خواهد بود. قبول فرضیه دوم و بزرگ‌تر بودن ضریب β برای شرکت‌های غیر متقلب نشان داد که تقسیم سود حتی اگر نتواند جلوی تقلب را بگیرد اما با کاهش ارتباط بین EPS و DPS در شرکت‌های متقلب، می‌تواند به عنوان سیگنالی برای امکان وقوع تقلب مورد توجه قرار گیرد. نتایج این آزمون نیز با یافته‌های کاسکی و هانلون در سال ۲۰۱۱ مطابقت دارد. در بررسی فرضیه سوم و چهارم به دنبال روند سیاست تقسیم سود، در دو گروه شرکت متقلب و غیر متقلب، در دوره کاهش و افزایش سود بررسی شد تا مشخص شود شرکتی که مرتکب تقلب می‌شود نمی‌تواند همان سیاست تقسیم سودی را در پیش گیرد که سایر شرکت‌ها دارند. با انجام آزمون‌های آماری مناسب فرضیه سوم رد شد و اختلاف معناداری برای افزایش سود بین دو گروه مشاهده نشد که علت آن می‌تواند اجبارهای موجود از سوی قانون و سهامداران برای تقسیم سود بالا و عدم تمایل شرکت به تغییر محسوس و شک‌برانگیز در درصد تقسیم سود شرکت باشد. اما فرضیه چهارم قبول شد و نشان داد که شرکت‌های متقلب در صورتی که سود شرکت کاهش یابد تمایل دارند تا بیشتر از آنچه معمول است سود تقسیمی خود را کاهش دهند و در واقع با این کار از الزام تعهدی که بر مبنای سود متورم شده بر گردن گرفته‌اند رهایی یابند. در پژوهش صورت گرفته توسط کاسکی و هانلون [۱۱] در سال ۲۰۱۱ فرضیه سوم پذیرفته شد درحالی که فرضیه چهارم رد شد و تفاوت معناداری برای کاهش بیشتر از معمول سود تقسیمی در شرکت‌های متقلب در دوره کاهش سود شرکت مشاهده نگردید. علت نتایج متفاوت در این دو پژوهش می‌تواند مربوط به تفاوت‌های فرهنگی، مالیاتی و سایر مواردی باشد که باید مورد بررسی بیشتری قرار گیرد.

در نهایت آنچه که می‌توان از کل نتایج این پژوهش دریافت این است که سیاست تقسیم سود شرکت به طور قطع در شرکت‌های متقلب و غیر متقلب متفاوت خواهد بود و بررسی این سیاست می‌تواند به

عنوان نشانه‌ای از سالم یا متقلب بودن شرکت و همچنین به عنوان عامل بازدارنده تقلب مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

پیشنهادات مبتنی بر پژوهش

پیشنهاد می‌شود سهامداران هر ساله خواستار پرداخت درصد معینی از سود تقسیمی باشند. زیرا این کار شرکت را مجبور می‌کند وجه نقد بیشتری در شرکت نگاه‌داری کند و همین مسئله به تنهایی عامل کاهش امکان تقلب است. علاوه بر آن تقسیم سود بر مبنای سود واهی امکان ندارد بنابراین زمانی که شرکت مجبور به پرداخت درصد بالایی از سود شرکت باشد نمی‌تواند سود خود را زیاد متورم کند زیرا می‌داند که در آینده باید درصد بالایی از آن را پرداخت کند. به تحلیل‌گران و حسابرسان و دیگر مشارکت‌کنندگان بازار سرمایه نیز پیشنهاد می‌شود که در بررسی شرکت‌ها جهت قیمت‌گذاری سهام، حسابرسی صورت‌های مالی و یا خرید و فروش سهام و ... توجه بیشتری به سیاست تقسیم سود شرکت‌ها نمایند.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود جنبه‌های دیگری از تقسیم سود در دو گروه شرکت متقلب و غیر متقلب بررسی شود. برای مثال: بررسی تفاوت بین سود سهام پیشنهادی و سود پرداختی در این دو گروه.

فهرست منابع

۱. امینی، محسن، عرب مازار، علی اکبر، صمدی، محمود، (۱۳۹۳)، "الماس تقلب و مسئولیت مدیران و حسابرسان در قبال پیشگیری از تقلب". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۱۷-۴.
۲. برواری، فرید، (۱۳۸۵)، "بررسی کاربرد روش‌های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت‌های مالی (تقلب مدیریت)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
۳. رضوانی‌راز، کریم، رکابدار، قاسم، احمدی، محمد، رمضان احمدی، محمد، (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه بین جریان‌های نقد آزاد و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران"، **فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی**، سال اول، شماره ۴، صص ۱۰۷-۹۲.
۴. سعیدی، علی و بهنام، کیهان، (۱۳۸۹)، "بررسی عوامل موثر بر خطمشی تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **پژوهشگر**، سال هفتم، شماره ۱۸، صص ۷۱-۶۱.
۵. صفرزاده، محمدحسین، (۱۳۸۹)، "توانایی نسبت‌های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی: تحلیل لاجیت"، **مجله دانش حسابداری**، سال اول، شماره ۱، صص ۱۶۳-۱۳۷.

۶. فخاری، حسین و یوسفعلی‌تبار، نصیبه، (۱۳۸۹)، "بررسی رابطه بین سیاست تقسیم سود و حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **حسابداری و حسابرسی**، سال هفدهم، شماره ۶۲، صص ۸۴-۶۹.
۷. کودره، دی، (۱۳۹۱)، **پیشگیری و کشف تقلب به کمک رایانه**، امیر پوریان‌سب و آیدا پوریان‌سب، تهران، فرانما.
۸. مومنی، منصور و قیومی، علی، (۱۳۸۹)، **تحلیل‌های آماری با استفاده از spss**، تهران، کتاب نو.
۹. وکیلی‌فرد، حمیدرضا، جبارزاده‌کنگرلوئی، سعید، پوررضاسلطان احمدی، اکبر، (۱۳۸۸)، "بررسی ویژگی‌های تقلب در صورت‌های مالی"، **حسابدار**، سال بیست و چهارم، شماره ۲۱۰، صص ۴۱-۳۶.
10. Black, J, Nilsson. M, Pinheiro. R, Dasilva. M., (2015), "Information Production and the Duration of Accounting Fraud", **Contemporary Accounting Research, Forthcoming**. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract/2485555>.
11. Caskey, J & Hanlon, M., (2011), "Dividend Policy at Firms Accused of Accounting Fraud". **Contemporary Accounting Research, Forthcoming**. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract/902080>.
12. Dechow. P., Ge. W., Schrand. C., (2010), "Understanding Earnings Quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences", **Journal of Accounting and Economics**, 50, 344-401.
13. Dechow. P., Ge. W., Larson. C.R., Sloan. R.G., (2011), "Predicting Material Accounting Misstatements", **Contemporary Accounting Research**, 28(1), 17-82.
14. He, W. & Zhang, B., (2012), "Do Dividends Signal Earnings Quality? An International Analysis", **China International Conference in Finance**.
15. Kirkos. E., Spathis. CH., manolopoulos, Y., (2007), "Data Mining Techniques for the Detection of Fraudulent Financial Statements", **Expert Systems with Applications**, 32, 995-1003.
16. Persons, O. S., (2011), "Using Financial Statement Data to Identify Factors Associated with Fraudulent Financial Reporting", **Journal of Applied Business Research**, 11(3), 38-46.
17. Skinner, D. J. & Soltes, E., (2009), "What Do Dividends Tell Us about Earnings Quality?", **Review of Accounting Studies**.



Dividend Policy at Firms Suspected of Accounting Fraud

A. Khalifeh Soltani¹(PhD)

Associate Professor of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran

Sh. Nayeb Mohseni²©

PhD Student of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran

(Received: 5 Sep 2015; Accepted: 30 Jan 2016)

When earnings are managed, firms do not have the cash to support dividend payments. Firms could borrow to pay dividends; however, borrowing would invite unwanted scrutiny of their financial statements. This leads to a prediction that dividend paying firms are less likely to engage in financial accounting fraud because ex ante they know they will not be able to maintain any established dividends on overstated earnings. Cash kept within the firm enables insiders to consume private control benefits, but no private benefits can be consumed from cash paid out. Insiders and managers who decide to pay dividends would therefore have less private benefits to consume and also have less incentive to conceal such private benefits. As a result, reported earnings of dividend paying firms are less likely to be manipulated. The purpose of the current research is to study the relationship between dividend policy and fraud in listed firms on the stock exchange during the period 2005 to 2012. To do this, first has been examined the relation between dividend policy and fraud in order to find out whether there is a negative relation between dividend paying status and fraud or not. Then the dividend policy has been compared between fraudulent and non-fraudulent firms to determine if fraudulent firms can apply the same dividend policy that non-fraudulent firms have. The research hypotheses have been tested by using logistic regression, two-sample t-test and multiple regression. The findings suggest that there is a significant negative association between dividend and fraud which means dividend payer commit fraud less likely than others. Also the relationship between current profit and dividend is weaker for the fraudulent firms than for the non-fraudulent firms which means the dividend policy in fraudulent firms is different from non-fraudulent firms.

Keywords: Fraud, Dividend Policy, Earning Management, Fraudulent Firm, DPS.

¹ khalifehsoltani@alzahra.ac.ir

² sh.nayebmohseni@alzahra.ac.ir ©(Corresponding Author)